

تحلیل هفته

شماره: 478

(25 جوزا - 02 سرطان 1404 هـ ش)

جنگ ایران و اسرائیل؛ عوامل، اهداف و پیامدها



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقه‌ای تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- جنگ ایران و اسرائیل؛ عوامل، اهداف و پیامدها 3
- دلایل و اهداف حمله اسرائیل به ایران 3
- واکنش ایران 5
- پیش بینی پیروزی در جنگ 6
- سناریوهای احتمالی در مورد پیامدهای جنگ 7
- تأثیرات جنگ ایران و اسرائیل بر افغانستان 8
- نتیجه گیری 8
- پیشنهادات 8
- منابع 9

جنگ ایران و اسرائیل؛ عوامل، اهداف و پیامدها

مقدمه

در چند دهه گذشته، اسرائیل برای حفظ بقا و منافع امنیتی خود، اقدامات گوناگون نظامی و استراتژیک در منطقه انجام داده است؛ یکی از این اقدامات، حمله مستقیم نظامی این کشور به ایران در تاریخ ۱۳ جون سال جاری میلادی است. به نظر می‌رسد این حمله از مدت‌ها پیش برنامه‌ریزی شده و برای آن آمادگی همه‌جانبه گرفته شده بود. این جنگ نه تنها بر امنیت دو کشور درگیر، بلکه بر امنیت کشورهای منطقه، روابط سیاسی و اقتصادی میان کشورهای جهان و بازار جهانی انرژی تأثیرات منفی گسترده‌ای خواهد داشت.

ایالات متحده آمریکا در این جنگ نقش مهمی ایفا می‌کند؛ این کشور به عنوان حامی اصلی اسرائیل در خاورمیانه شناخته می‌شود و تلاش دارد از این طریق بر برنامه هسته‌ای ایران فشار شدیدی وارد کند. اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای هم‌پیمان آن، برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی برای امنیت خود تلقی می‌کنند؛ از همین رو می‌کوشند این برنامه را یا به کلی از بین ببرند و یا دست کم آن را در سطح تولید انرژی محدود سازند.

این جنگ به همین منظور آغاز شده تا از تقویت ظرفیت هسته‌ای ایران جلوگیری شود. این جنگ نه تنها به طرف‌های درگیر آسیب‌های نظامی و تسلیحاتی وارد کرده و می‌کند، بلکه به همراه آن، خساراتی در زمینه مهاجرت، اقتصاد و انرژی برای منطقه و جهان نیز به دنبال دارد و بر توازن قدرت و ثبات سیاسی منطقه تأثیر منفی خواهد گذاشت. علاوه بر این، قدرت‌های بزرگ جهانی نیز در این جنگ نقش ویژه‌ای ایفا خواهند کرد. در این مقاله تحلیلی، اهداف، عوامل و پیامدهای این جنگ به صورت زیر مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

دلایل و اهداف حمله اسرائیل به ایران

اسرائیل در اولین حمله به ایران، تأسیسات مربوط به تولید سلاح‌های هسته‌ای و موشکی را هدف قرار داد؛ افزون بر آن، اسرائیل برخی از فرماندهان ارشد نظامی، مقامات بلندپایه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دانشمندان برجسته ایران که در برنامه‌ای هسته‌ای و موشکی نقش داشتند را هدف قرار داد. برنامه‌ریزی این اقدامات توسط ایال ضمیر (Eyal Zamir)، رئیس ستاد ارتش اسرائیل انجام شده بود؛ دیدگاه او که به "دکترین ایال ضمیر" نیز شهرت دارد، این است که تا زمانی که نظام سیاسی ایران پابرجا باشد، آن‌ها از اهداف خود در زمینه پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای دست نخواهند کشید و حتی ممکن است این برنامه‌ها را به سطح نظامی ارتقاء دهند. بر این اساس، برنامه موشکی ایران به طور مداوم گسترش خواهد یافت و قدرتمندتر خواهد شد.¹

از دکترین رئیس ستاد ارتش اسرائیل چنین برداشت می‌شود که هر دو برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، تهدیدی جدی برای بقای اسرائیل به شمار می‌روند. به همین دلیل، اسرائیل در تلاش است تا نظام سیاسی ایران را بی‌ثبات و تضعیف کند تا این تهدیدها از بین بروند یا محدود شوند. برای رسیدن به این هدف، اسرائیل مشارکت در یک جنگ گسترده و چندجانبه با ایران را ضروری می‌داند. اسرائیل پیش از آغاز این جنگ، برخی دستاوردهایی نیز داشته است؛ از جمله تضعیف گروه‌های نظامی غیردولتی هم‌پیمان ایران در خاورمیانه؛ مانند حزب‌الله در لبنان، حرکت حماس در فلسطین، و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی در سوریه. زمانی که اسرائیل در نبرد با حزب‌الله به پیروزی قابل توجهی دست یافت، بسیاری از رهبران گروه حماس در فلسطین را به شهادت رساند و در همین حال رژیم بشار اسد در سوریه نیز سقوط کرد، رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل به این نتیجه رسیدند که هدف بعدی باید ایران باشد.

در عین حال، به نظر می‌رسد که هدف ایالات متحده از حمله اسرائیل به ایران، نه سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، بلکه کسب امتیازهای گسترده‌تر در مذاکرات هسته‌ای است؛ بر همین اساس، با شروع نخستین حمله اسرائیل به ایران، رئیس‌جمهور فعلی امریکا، دونالد ترامپ، موضع و هدف استراتژیکی کشورش را در این جنگ مشخص کرد و تأکید نمود که دور ششم مذاکرات با ایران باید طبق برنامه، در روز یکشنبه ۱۵ جون ادامه یابد؛ بر این اساس، وی این جنگ را توجیهی برای کسب امتیاز در مذاکرات قلمداد کرد.²

این خواست ترامپ از سوی ایران به‌طور بی‌قید و شرط رد گردیده خواستار توقف جنگ شد و پس از آن، تمایل خود به مذاکره را اعلام کرد. در آخرین بیانیه وزارت خارجه ایران که در تاریخ ۱۷ جون سال جاری در وبسایت رسمی این وزارت منتشر شد، آمده است: “هدف نتانیاهو از حمله به ایران، ایجاد مانع در مسیر توافق میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا است؛ توافقی که ما در مسیر صحیح دستیابی به آن گام برمی‌داشتیم. او بار دیگر می‌کوشد که رئیس‌جمهور امریکا و مالیات‌دهندگان امریکایی را به‌طور کامل فریب دهد.”³

در پایان این بیانیه آمده است: “اگر رئیس‌جمهور ترامپ واقعاً به دیپلماسی باور دارد و خواهان توقف این جنگ است، مراحل بعدی بسیار مهم خواهند بود. اسرائیل باید حملات خود را متوقف کند؛ در غیر این صورت، پاسخ‌های ما حمله بدون توقف کامل نظامی ادامه خواهند یافت. تنها یک تماس تلفنی از واشنگتن کافی است تا کسی مانند نتانیاهو را ساکت کند. این می‌تواند مسیر بازگشت به دیپلماسی را هموار سازد.”

4

از محتوای این بیانیه به‌روشنی برمی‌آید که ایران زمانی حاضر به بازگشت به مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای خواهد بود که جنگ متوقف شود؛ در غیر این صورت، همان گونه که رئیس‌جمهور امریکا خواسته بود مذاکرات دور ششم به‌طور عادی ادامه یابد، غیرممکن به نظر می‌رسد. از نظر منطقی نیز این گونه نیست که یک موضوع همزمان هم از راه مذاکره و هم با جنگ پیگیری شود.

در دکترین ضمیر، عملیات اطلاعاتی برای نابودی و خنثی سازی ظرفیت موشکی، پدافند هوایی و تأسیسات هسته‌ای ایران نیز گنجانده شده است؛ علاوه بر آن، در این دکترین، محاصره اقتصادی ایران، ایجاد ناآرامی و بی‌ثباتی داخلی و نیز مختل کردن صادرات نفت ایران از جمله اهداف اصلی اسرائیل به‌شمار می‌روند.⁵ تا حدود زیادی در این جنگ مشاهده می‌شود که اسرائیل نتوانسته به تمامی اهداف دکترین ضمیر دست یابد؛ حتی به نظر می‌رسد که اسرائیل در حملات اولیه خود از هدف قرار دادن زیرساخت‌های نفتی ایران پرهیز کرده بود. این موضع احتمالاً با در نظر گرفتن دیدگاه ایالات متحده آمریکا اتخاذ شده است تا از وقوع بحران انرژی جلوگیری شود؛ بحرانی که ممکن است از کنترل خارج شود و بر اقتصاد جهانی اثرات منفی داشته باشد. زیرساخت‌های نفتی ایران، ابزاری سیاسی و قدرتمند برای اعمال فشار تلقی می‌شوند و نابودی آن‌ها پیامدهای جهانی در پی خواهد داشت. اما در حملات اخیر، اولویت چندانی به این موضوع داده نشده است.

اگرچه نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیا‌هو، از حمایت گسترده ملی صهیونیستی برخوردار است، اما او مصمم است که ایالات متحده را در جنگ اسرائیل - ایران درگیر سازد. در اسرائیل این باور وجود دارد که بدون حمایت کامل نظامی آمریکا، اسرائیل قادر نخواهد بود برنامه هسته‌ای ایران را به‌طور کامل نابود سازد. با وجود این باور اسرائیل، هیچ تضمینی وجود ندارد که حتی با حمایت آمریکا نیز این کشور بتواند برنامه هسته‌ای ایران را از بین ببرد، چرا که اورانیوم غنی‌شده می‌تواند منتقل و محافظت شود. اسرائیل در این جنگ، ایران را به حمله به پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه تحریک می‌کند؛ تا هدف اصلی خود یعنی سقوط نظام جمهوری اسلامی را محقق سازد. به‌نظر می‌رسد این راهبرد اسرائیل با دیدگاه دیگر کشورهای منطقه و جهان که نمی‌خواهند بحران در خاورمیانه گسترش یابد، در تضاد است. این کشورها بر این باورند که اگر جنگ گسترش یابد، منافع ملی و نظام‌های اقتصادی‌شان با تهدید مستقیم مواجه خواهند شد.

علاوه بر این، هدف اسرائیل از این جنگ تنها از بین بردن توانایی‌های نظامی و فنی ایران، چه در حوزه نظامی و چه در حوزه غیرنظامی، نیست؛ بلکه در کنار این اهداف، اسرائیل می‌خواهد توازن قدرت در خاورمیانه را به نفع خود تغییر دهد، دایره سلطه و نفوذش را گسترش دهد و حتی نقشه جغرافیایی خاورمیانه را بازطراحی کند؛ به‌گونه‌ای که اسرائیل در برابر تمامی کشورهای منطقه برتری داشته باشد و هیچ قدرت منطقه‌ای نتواند منافع آن را تهدید کند. به همین منظور، نخست‌وزیر اسرائیل چندین بار از اصطلاح “خاورمیانه جدید” استفاده کرده و در یکی از سخنرانی‌هایش در مجمع عمومی سازمان ملل دو نقشه ارائه کرده است که در هیچ کدام از آن‌ها به کشور فلسطین اشاره‌ای نشده است.⁶

واکنش ایران

در مقایسه با جنگ‌های پیشین میان اسرائیل و ایران، این بار ایران واکنشی قوی‌تر و ویران‌گرتر نسبت به حملات اسرائیل نشان داده است. این بار، واکنش ایران مبتنی بر موشک‌های پیشرفته‌ای بود که از سامانه

گنبد آهنین اسرائیل و سیستم‌های دفاعی متحدان آن عبور کرده و ویرانی بی‌سابقه‌ای را در چند شهر بزرگ این کشور به وجود آورد. این حملات دقیق ایران، به مرکز نیروهای دفاعی اسرائیل در تل‌آویو و حتی به سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد) نیز رسید. با این حال، رسانه‌های دولتی ایران بیانیه‌ای منتشر کردند که در آن آمده بود: ارتش ایران تاکنون از سلاح‌های پیشرفته و استراتژیک خود علیه اسرائیل استفاده نکرده است.⁷ اگر این بیانیه صحت داشته باشد، می‌توان چنین برداشت کرد که ایران خود را برای یک درگیری طولانی مدت آماده می‌کند و در صورت نیاز یا بروز تهدید جدی، از سلاح‌های پیشرفته و مجهز به فناوری خود استفاده خواهد کرد.

ارتش ایران برای تحقق وعده رهبر این کشور، آیت‌الله علی خامنه‌ای، که گفته بود: "اسرائیل به‌خاطر این جنایت، در امان نخواهد ماند"، موجی از موشک‌های بالستیک را به سوی اسرائیل شلیک کرد. این حملات تلفات جانی و خسارات مالی سنگینی به اسرائیل وارد کرد و شادی اولیه ناشی از حمله اول اسرائیل را به ترس و بی‌اعتمادی تبدیل ساخت. این ترس‌ها باعث شکاف در میان اسرائیلی‌ها شده است: برخی هنوز خواهان ازسرگیری مذاکرات آمریکا با ایران هستند، برخی دیگر نخست‌وزیر کشور را متهم می‌کنند که به‌خاطر منافع سیاسی شخصی، با امنیت ملی کشور قمار کرده، و برخی همچنان از تصمیمات او حمایت می‌کنند. بر این اساس، تا زمانی که اسرائیل به اهدافش که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد نرسد، متوقف کردن جنگ دشوار به نظر می‌رسد، و از سوی دیگر، ایران نیز شکست و پایان جنگی را نمی‌پذیرد که منجر به سقوط نظامش شود؛ بنابراین تلاش خواهد کرد تا بیشترین آسیب ممکن را به اسرائیل وارد سازد. از همین رو، نگرانی‌های اسرائیل نیز افزایش یافته است.

پیش‌بینی پیروزی در جنگ

تا این لحظه، توازن قدرت به‌طور آشکار مشخص نیست؛ زیرا از یک‌سو اسرائیل بر فناوری‌های نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا تکیه دارد. از آنجا که هدف اسرائیل، سرنگونی نظام ایران است، هرگونه بی‌ثباتی در داخل ایران، به‌عنوان پیشرفتی در جهت رسیدن به این هدف تلقی می‌شود.

علاوه بر این، انجام حمله موفق اسرائیل در خاک ایران که منجر به هدف قرار گرفتن دانشمندان برجسته و مقام‌های بلندپایه نظامی و اطلاعاتی ایران شد، نشان‌دهنده موقعیت قدرتمند اسرائیل است. همچنان، عملیات مداوم هواپیماهای اسرائیلی در فضای ایران و تفاوت بزرگ در تلفات انسانی دو طرف (تا این لحظه، ۶۵۷ نفر در ایران کشته شده‌اند که از این میان، ۲۲۳ نفر غیرنظامی هستند، درحالی‌که در اسرائیل تنها ۱۴ نفر کشته شده‌اند) نیز برتری نظامی اسرائیل را نشان می‌دهد.⁸ از سوی دیگر، ایستادگی ایران در برابر کشوری که از سوی قدرت‌های بزرگ جهانی حمایت می‌شود، و انجام عملیات هوایی موفق از فاصله صدها کیلومتری که منجر به هدف قرار دادن تأسیسات مهم نظامی و اطلاعاتی دشمن شده است، نشان‌دهنده قدرت و اقتدار ایران نیز می‌باشد. شایان ذکر است که جنگ همچنان ادامه دارد و پیش‌بینی نتیجه آن تا حد

زیادی دشوار است. افزون بر این، اسرائیل تلاش دارد تا جنگ را تا زمان دستیابی به اهداف نظامی اش ادامه دهد. در مقابل، ایران اعلام کرده است که در هنگام حمله، نمی‌توان از صبر بهره گرفت و این کشور از خاک، مردم، عزت و دستاوردهای خود دفاع خواهد کرد. بر این اساس، می‌توان گفت که این جنگ ممکن است همچنان ادامه یابد. اما مهم‌ترین مسئله در این مرحله آن است که ایالات متحده امریکا چه واکنشی نشان خواهد داد.

سناریوهای احتمالی در مورد پیامدهای جنگ

از آن جایی که جنگ همچنان در جریان است، سناریوهای زیر قابل پیش‌بینی اند:

۱. **سناریوی سقوط نظام ایران:** اگر این جنگ از سوی اسرائیل با هدف از میان برداشتن نظام ایران آغاز شده باشد، احتمال یک جنگ طولانی مدت بسیار زیاد است. در این سناریو، ایالات متحده امریکا بیشترین بهره را خواهد برد؛ از یک سو، امریکا می‌تواند سلاح‌های پیشرفته خود را به اسرائیل بفروشد، و از سوی دیگر، طولانی شدن جنگ، ایران را مجبور می‌سازد توانایی‌های نظامی اش را آشکار کند. این وضعیت کشورهای عربی منطقه را که با ایران روابط پرتنش دارند، ترغیب خواهد کرد تا از امریکا سلاح خریداری کنند، که در نهایت، موقعیت اقتصادی و استراتژیکی امریکا را بیشتر تقویت خواهد کرد.

۲. **سناریوی فشار سیاسی:** اگر این جنگ تنها ابزاری برای اعمال فشار در روند مذاکرات باشد، احتمال دارد که به‌زودی پایان یابد. در این حالت، ایران برای توقف جنگ، امتیازاتی مهم به طرف مقابل خواهد داد که این امر منجر به تضعیف نفوذ منطقه‌ای و جایگاه سیاسی ایران خواهد شد.

۳. **سناریوی پیروزی اسرائیل:** اگر اسرائیل در این جنگ پیروز شود، در آینده تلاش خواهد کرد قلمرو جغرافیایی خود را گسترش دهد و اقدامات مختلفی برای تصرف سرزمین‌های کشورهای همسایه انجام دهد. مقاومت‌ها در برابر اسرائیل در منطقه بیشتر تضعیف خواهند شد، مسئله فلسطین را بر اساس منافع خود حل خواهد کرد و در نهایت، نفوذ استراتژیکی، اطلاعاتی و منطقه‌ای اش را گسترش خواهد داد و به دولتی برتر در منطقه تبدیل خواهد شد.

۴. **سناریوی پیروزی ایران:** اگر ایران در این جنگ پیروز شود، این پیروزی نه تنها شکست اسرائیل بلکه شکست ایالات متحده امریکا نیز محسوب خواهد شد. در داخل ایران، این پیروزی مشروعیت بیشتری برای نظام به‌همراه خواهد داشت و فرصت‌هایی برای تداوم ثبات سیاسی آن فراهم خواهد کرد. افزون بر آن، گروه‌های هم‌پیمان ایران در خاورمیانه بار دیگر قدرت خواهند گرفت و تلاش‌های خود را برای تضعیف و حتی نابودی اسرائیل شدت خواهند بخشید. همچنان نفوذ منطقه‌ای ایران گسترش خواهد یافت و نقش آن در معادلات امنیتی منطقه تقویت خواهد شد، و کشورهای عربی که با ایران روابط پرتنش دارند، تلاش خواهند کرد تا مسیرهایی برای تفاهم و تعامل با ایران بیابند.

تأثیرات جنگ ایران و اسرائیل بر افغانستان

هر جنگی نه تنها بر طرف‌های درگیر، بلکه بر کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای همسایه تأثیر منفی می‌گذارد. افغانستان که در همسایگی ایران قرار دارد و بخشی از انرژی مورد نیاز خود را از این کشور وارد می‌کند، ممکن است به‌طور مستقیم از این جنگ متأثر شود؛ زیرا حملات اسرائیل به تأسیسات انرژی ایران ممکن است تولید و صادرات انرژی این کشور را کاهش دهد و در نتیجه، قیمت نفت و گاز عملاً افزایش یافته بالا و بالاتر رود. افغانستان از این منظر، از نظر اقتصادی، به‌طور مستقیم متأثر خواهد شد.

افزون بر نفت و گاز، افغانستان بخشی از برق، مواد غذایی و مصالح ساختمانی خود را نیز از ایران وارد می‌کند، و بر اثر این جنگ، واردات این اقلام مختل خواهد شد و بر زندگی روزمره مردم تأثیر منفی خواهد گذاشت. از نظر امنیتی نیز، این جنگ ممکن است امنیت مرزهای دو کشور را با تهدید مواجه کند؛ به‌طور نمونه، زمینه فعالیت گروه‌های تروریستی، قاچاقچیان مواد مخدر و قاچاقچیان انسان فراهم شود. افزون بر آن، مسیرهای تجاری از نظر امنیتی آسیب خواهند دید و ارتباط منطقه‌ای افغانستان با خاورمیانه و هند که از طریق ایران صورت می‌گیرد، مختل خواهد شد. همچنان، نه تنها احتمال بازگشت مهاجران افغان از ایران به‌طور گسترده به کشور وجود دارد، بلکه احتمال آغاز موج مهاجرت ایرانیان به افغانستان نیز مطرح است، که این موضوع نیز از لحاظ اقتصادی بر افغانستان تأثیر منفی خواهد گذاشت.

نتیجه‌گیری

اسرائیل در خاورمیانه جنگ‌های نیابتی ایالات متحده آمریکا را پیش می‌برد؛ به همین دلیل، در جنگ‌های مختلف حمایت نظامی و اطلاعاتی ارائه می‌کند. جنگ کنونی میان اسرائیل و ایران نیز از این حمایت مستثنا نیست. این جنگ، به بیان ساده، به آن ضرب‌المثلی شباهت دارد که می‌گوید: “به مرگ بگیر تا به درد راضی شود.” ایالات متحده آمریکا اسرائیل را به میدان جنگ فرستاده و شعار سرنگونی نظام ایران را سر می‌دهد؛ تا از این طریق بتواند در مذاکرات هسته‌ای میان ایران و ایالات متحده آمریکا دست برتر داشته و امتیازات بیشتری به دست آورد.

ایالات متحده آمریکا نمی‌خواهد نظام کنونی ایران در خاورمیانه سرنگون شود؛ زیرا بر اساس وجود این نظام، به شماری از کشورهای عربی سلاح می‌فروشد و به‌نحوی از آنان باج سیاسی و اقتصادی می‌گیرد. افغانستان که در همسایگی ایران قرار دارد، نه تنها از این کشور کالاهای تجاری وارد می‌کند، بلکه از طریق ایران با کشورهای منطقه و جهان نیز تبادلات اقتصادی انجام می‌دهد. این روند ممکن است با موانعی مواجه شود و با موج بزرگی از مهاجران و پناهجویان نیز روبه‌رو گردد. بنابراین، ضروری است که دو طرف درگیر به‌جای ادامه جنگ، راه‌حل‌های صلح‌آمیز را برای رفع اختلافات خود در پیش گیرند.

پیشنهادهات

1. از آن جا که اسرائیل به طور مداوم در حال گسترش نفوذ خود در منطقه است، و این امر تهدیدی برای کل جهان اسلام به شمار می‌رود، ضروری است که تمامی کشورهای اسلامی برای مقابله با سیاست توسعه‌طلبانه اسرائیل متحد شوند و یک سیاست مشترک را در پیش گیرند.

2. امارت اسلامی افغانستان باید تلاش کند تا برای جلوگیری از تأثیرات منفی این جنگ، به‌ویژه در بخش اقتصادی و تجاری، راه‌حل‌های جایگزین بیابد.

3. اگر جنگ گسترش یابد، امارت اسلامی باید به پناه‌جویان ایرانی اجازه ورود به افغانستان را بدهد و از پیش آمادگی‌هایی در این زمینه اتخاذ کند.

4. از آن جا که افغانستان با ایران مرز مشترک دارد، امارت اسلامی می‌تواند به شماری از کشورهای منطقه اطمینان دهد که می‌تواند به‌طور موقت به شهروندان آن‌ها در افغانستان پناه دهد، یا آنان را از طریق افغانستان به کشورهای مربوطه منتقل کند.

منابع

¹¹ Ameer Makhoul, Context and Implications of the Direct War Between Israel and Iran, Progress Center for Policies, published date: Jun 15, 2025, available at: <https://www.arabprogress.org/en/context-and-implications-of-the-direct-war-between-israel-and-iran/>

² Ameer Makhoul, Context and Implications of the Direct War Between Israel and Iran, Progress Center for Policies, published date: Jun 15, 2025, available at: <https://www.arabprogress.org/en/context-and-implications-of-the-direct-war-between-israel-and-iran/>

³ وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، پیام هشدار سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه در شبکه ایکس، تاریخ نشر ۱۴۰۴/۳/۲۷، لینک انلین:

<https://mfa.gov.ir/portal/newsview/768674>

⁴ پورتنی مآخذ.

⁵ Ameer Makhoul, Context and Implications of the Direct War Between Israel and Iran, Progress Center for Policies, published date: Jun 15, 2025, available at: <https://www.arabprogress.org/en/context-and-implications-of-the-direct-war-between-israel-and-iran/>

⁶ بی بی سی فارسی، شکل‌گیری جدید که اسرائیل برای خاور میانه تصور میکند چیست؟ تاریخ نشر، ۱۴۰۳ اکتبر ۹، دسترسی انلین:

<https://www.bbc.com/persian/articles/cly5w8y29y2o>

⁷ The soufan center, The Implications of Israel's Attacks on Iran, published date: June 16, 2025, available at:



<https://www.israelnationalnews.com/news/409909#:~:text=IDF%20Chief%20of%20Staff%20Eyal%20Zamir%20issues%20statement,an%20enemy%20who%20is%20intent%20on%20destroying%20us.%22>

⁸ CBS NEWS, Iranian strike in Israel injures nearly 2 dozen, emergency officials say, amid diplomatic efforts, published date: June 20, 2025, available at: <https://www.cbsnews.com/news/israel-iran-strikes-continue-middle-east-diplomacy/>

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش های دقیق و بی طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنای پالیسی ها در افغانستان و منطقه فعالیت می کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.org

وب سایت: www.csrsaf.org



: +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org